

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹



## موج فمینیستی در شیلی

فرانک گادویچو

فرانک گادویچو، استاد تاریخ آمریکای لاتین در دانشگاه گرنوبل-آلپ و رئیس اتحادیه فرانسه - آمریکای لاتین است که در تهیه کتاب شیلی کنونی، حکومت و مقاومت در جامعه نئولیبرالی، شرکت داشته است. این کتاب توسط Harmattan'L در پاریس، در ۲۰۱۶ به چاپ رسیده است.

برگردان عاطفه اولیائی

نه یک موج، بلکه یک سونامی پر قدرت، روز ۸ مارس ۲۰۱۹، زیر آفتاب درخشان و نگاه ژاندارم های محلی، خیابان های سانتیاگو را درنوردید. بیش از سیصد و پنجاه هزار نفر، به ویژه زنان جوان، برای جشن گرفتن این اولین اعتصاب فمینیستی در تاریخ شیلی، در مرکز پایتخت به رقص و پایکوبی پرداختند. برخی، با بدن های رنگ کرده، به همراه خانواده، شرکای زندگی و فرزندان خود راهپیمایی کردند. سگ های خیابانی هم در این روز بین المللی حقوق زنان با این رژه حشم و شادی همراه شدند.

مادر بزرگان بازماندگان سرکوب دیکتاتوری ژنرال آگوستو پینوشه (۱۹۷۳-۸۹)، فعالان حقوق بشر، همچون آلیشیا لیره، نماینده تعاونی (کولکتیو) خانواده های قربانیان اعدام های سیاسی، با تصویر از دست رفتگان خود با این شعار خیابان ها را پر کرده بودند: «دلیل قتل آن ها توسط دیکتاتوری،

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

دقیقا همان انگیزه های ما برای راهپیمایی امروز است: آنها در پی ساختن جامعه ای از افراد آزاد و برابر بودند.»

خواست ها و شعار ها به همان تنوع شرکت کنندگان است: علیه خشونت بر زنان، رفع تبعیض علیه همجنسگرایان و تراجنسی ها، محو شرایط اسفناک پذیرش مهاجران، برابری دستمزد با مردان. در میان سازمان های غیر دولتی (NGO)، انجمن ها و اتحادیه ها، زنان مایوچه که با لباس های سنتی خود در محکوم کردن سرکوب مردم خود گرد هم آمده بودند، زنی دانش جو شعار: «آزادی برای تخمدان هایم! سقط جنین امن و رایگان!» را برافراشته بود. ساکنین شبکه ی اوکامو بر حق مسکن تأکید دارند. کمی دور تر، سازمان نان و گل سرخ، در کنار حزب کارگر انقلابی کوچک، و زیر سیل پرچم ها، آهنگ های مبارزاتی سر می دادند. برخی از نمایندگان مجلس چپ نیز شرکت داشتند. سپس صفوف دیگری از زنان، با شعار «زنان کارگر در خیابان ها، علیه بی ثباتی این زندگی.»

خانم خاویرا رودریگز، دانشجوی روزنامه نگاری و فعال محافظه کار، با پوزخندی گفت: «این نوع کار، خاص گروه های چپ و مارکسیست است.» آنها ادعا دارند که برای اتحاد مردم می کوشند ولی در نهایت، بلبشو به پا می کنند. در ابتدا، مدعی اند که این مبارزه ای است به مناسبت روز زن، سپس موضوع زن «ستم دیده»، زن «کارگر» و غیره را مطرح می کنند. در نهایت کسانی که در این تظاهرات شرکت می کنند، متوجه می شوند که برای اصلاح حقوق بازنشستگی و صندوق های بازنشستگی، سقط جنین آزاد و یا ازدواج همجنسگرایانه راهپیمایی کرده است...»

خانم رودریگز در سال ۲۰۱۸ برای «مقاومت در برابر اشغال دانشگاه خود توسط فمینیست ها» خبرساز شد. او پرچم فمینیست ها را که مزین به شعار: «آزار دهندگان را در دانشگاه کاتولیک جایی نیست» پاره پاره کرده و ابراز داشت: «تصویری را که این شعار از دانشگاه ما ارائه می دهد، برایم قابل پذیرش نیست. آن را پاره کردم و با اشغالگران رو در رو شدم. آنچه را فکر می کردم در مقابل دوربین های تلویزیونی بیان کردم. دلیل این کار، احترامی است که برای نظم و نهاد ها قائلم. بعضی ها قطعاً مرا "فاشیست" می خوانند، برایم مهم نیست.»

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

بر خلاف خانم رودریگز، برگزارکنندگان بر این باورند که این راه پیمایی روز ۸ مارس، موفقیتی تاریخی و غیر منتظره، و یکی از مهمترین بسیج های خیابانی پس از آغاز گذار دموکراتیک در سال ۱۹۹۰ بوده است. هشتصد هزار نفر در سراسر کشور، در بیش از شصت شهر، منجمله مراکز شهرهای کوچکی که طی سی سال گذشته شاهد چنین حرکتی نبوده اند، راه پیمایی کردند...

چگونه می توان چنین موفقیتی را در کشوری مشهور به محافظه کاری، با قوانین حقوق مدنی قدیمی (متعلق به سال ۱۸۵۵)، که طلاق را به تازگی در سال ۲۰۰۴ (یکی از آخرین ها در جهان) قانونی کرد و در آن قانون توقف داوطلبانه حاملگی (سقط جنین آن، هم به شکلی بسیار ناقص) (۱) پس از دهه ها ممانعت احزاب اصلی سیاسی و کلیسای کاتولیک بالاخره در سال ۲۰۱۵ قانونی شد، توضیح داد؟

## «دموکراسی در کشور و در خانه!»

چند روز قبل از بسیج، نشانه های نگرانی دولت آشکار بود. در ۲۰۱۸، سباستین پئیرا، رئیس جمهور و یکی از سرمایه داران چند ملیتی که در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ (۲) به ریاست جمهوری رسیده بود، در یکی از کانال های تلویزیونی خصوصی تلاش به آرام کردن مردم داشت: «ا بزار سازی از هدف والای برابری کامل حقوق و وظایف بین مردان و زنان اشتباهی بیش نیست. فکر نمی کنم اعتصاب ضرورتی داشته باشد چرا که دولت ما تحقق این خواست های زنان را در برنامه های خود گنجانیده است.»

یاد آوری خاطره بسیج دانشجویی سال ۲۰۱۸ علیه آزار جنسی و خواست برخورداری از تحصیلات بدون تبعیض جنسیتی، ترس و لرز بر قدرت حاکم مستولی کرده بود. این حرکت « ماه مه فمینیست » منجر به اشغال ده ها دانشگاه و اجبار نهادها را علی رغم میل شان به واکنش و به تبع آن به رسمیت شناختن نارضایتی ای شد که از مدت ها پیش در این نهاد ها حس می شد. پای

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

استادان مشهور به میان کشیده شد و رئیس پیشین دادگاه قانون اساسی معزول شد. حتی دانشگاه معتبر کاتولیک سانتیاگو، مرکز «پسران شیکاگو» (Chicago boys) را که نقش مشاور اقتصادی ژنرال پینوشه را در دوران دیکتاتوری ایفا می کرد، اشغال کردند. (و این باعث عصبانیت خانم رودریگزی شد). از ۱۹۸۶، چنین اتفاق هایی نیافتاده بود.

این اولین زلزله فمینیستی، در واقع نسخه ای بود از بسیج دانشجویی شدید در سال ۲۰۱۱، طی اولین دوره ریاست جمهوری آقای پنیرا (۳). خواست جوانانی که در آن زمان به خیابان ها سرازیر شدند و همچنین افرادی که به درخواست اعتصاب فمینیستی در ۸ مارس پاسخ دادند، توقف عملکرد های فلاکت زای دوران اقتدار بود. دولت های «هماهنگی» (ائتلاف دموکراسی و مرکز چپ و دموکراسی مسیحی) که پی در پی در طی بیست سال حکومت کردند (از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰)، ناتوان از درمان این معضلات بوده اند.

اما خواست های فمینیست های معاصر پیشینه ای قدیمی تر دارد. به نظر خانم لونا فولگاتی، علیرغم فراز و نشیب های حضور این جنبش در میدان مبارزات، «جنبش فمینیستی هرگز ناپدید نشده است .... به جای "امواج"، می توانیم سه دوره بزرگ را در پیشینه آن تمیز دهیم. از آغاز قرن تا دهه ۱۹۵۰، محور فعالیت های آن بر حول تقاضاهای سیاسی و مدنی (از جمله حق رأی، به دست آمده در سال ۱۹۴۶) می چرخید؛ دوره دهه ۱۹۸۰ عرصه مبارزه به مقاومت زنان در مقابل دیکتاتوری منتقل شد؛ و در نهایت، در سال های اخیر به مسائل مربوط به تنوع جنسیتی، نظریه فراهنجاری (\*)، و غیره رو کرده است.»

جنبش قدرتمند آزادی زنان شیلی (ممج)، که از ۱۹۳۵ تا ۱۹۵۳ فعال بود، خواستار حق استفاده از روش های جلوگیری از بارداری و سقط جنین، قانونی کردن طلاق و پرداخت حقوق برابر بود. از همان زمان به سلاح اعتصاب رو کرد. علاوه بر این، بنیان گذاران آن، از قبیل النا کافرانا و اولگا پوبلت، در سال ۱۹۸۳ در باز تأسیس و بازسازی این سازمان برای مبارزه با رژیم نظامی شرکت کردند.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

همسنگران آن‌ها روشنفکرانی بودند همچو جولیتا کرکوود و مارگاریتا پیزانو، که در طول این سالهای تاریک همواره شعار معروف «دموکراسی در کشور و در خانه!» را مد نظر داشتند.

انتقال دموکراتیک -۱۹۸۹- ۱۹۹۰ نه تنها مدل اقتصادی دیکتاتوری، همانند قانون اساسی ژنرال پینوشه را مشروع دانست، بلکه «دموکراسی بر اساس وفاق»، را نیز که مورد ستایش بسیار کارفرمایان «جگوار» آمریکای لاتین بود، جا انداخت و آن‌هم به یمن انفعال کنشگران نقد اجتماعی. جنبش فمینیسم، نمونه برجسته آن است. این جنبش که به تدریج جنبه مبارزاتی خود را از دست داد، به سمت سیاست‌های عمومی جنسیتی متمایل شده و به همخوانی با ایدئولوژی «فقط بازار» رو کرد. بسیاری از پیشروان نیز به آن پیوستند. بعضی از زنان در اقشار بالا و نزدیک به قدرت، تا جایی که به وضعیت موجود خدشه‌ای وارد نمی‌کردند، توانستند به پیشرفت‌هایی نایل آیند. دیگران، در اقشار پائین جامعه و در بین بومیان، بهبودی در وضعیت خود نیافت

میشل باشوله، ندانم‌گرا، مجرد، و سوسیالیست نیز که خود قربانی دیکتاتوری بود، در سال ۲۰۰۰ و باز در ۲۰۰۶ به مقام وزارت رسید. سپس در سال‌های ۲۰۰۶، و ۲۰۱۴، با ارائه تصویری از خود همچو «مادر همه شیلیاییان» اولین زن رئیس‌جمهور در تاریخ شیلی شد (۴). اما این امر نیز در دستیابی زنان به خواسته‌هایشان تأثیری نداشت و در نهایت باشوله، روابط خود را با لیبرالیسم اجتماعی خانواده سیاسی خود برید. به گفته خانم جیلی یومنز (کارمند دفتری در شهر محبوب سن مگیله)، باشوله در طول دوره ریاست‌جمهوریش تقریباً هیچ کاری نکرد. وی مظهر جناح چپ فرنته آمپلیو (جبهه وسیع)، ائتلافی در اوایل ۲۰۱۷ است، متشکل از جنبش‌های سیاسی متعدد (ازمیان به سمت چپ رادیکال)، که برخی از آنان نیز بازمانده‌های جنبش دانشجویی سال ۲۰۱۱ هستند. در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود، بالاخره عملی مثبت انجام داد و وزارت زنان و برابری جنسیتی را ایجاد کرد. اما این وزارت‌خانه از بودجه و توجه سیاسی لازم در زمینه‌های اجتماعی بری بود؛ به طوری که حتی لایحه علیه خشونت زنان نادیده گرفته شده است، و در نهایت ابتکار عمل به دست راستی‌ها افتاد. «

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

«برنامه کاری زنان»، مجموعه ای از اقدامات قانونی آقای پنیرا در ماه مه سال ۲۰۱۸، بر اساس دیدگاهی محافظه کارانه (نقش زنان اغلب در مادربودن خلاصه می شود) و لیبرالیسم اقتصادی طرح ریزی شده است. این برنامه به قصد رعایت برابری جنسیتی در هیات مدیره شرکت ها و اهدای مهد کودک رایگان برای همه کسانی است که با قرار داد دائمی استخدام شده اند، و البته بدون در نظر گرفتن این امر که صحبت از کشوری است که بی ثباتی شغلی به خصوص برای زنان، قانون است و نه استثنا. در واقع کمتر از نیمی از زنان به شغلی دائم دسترسی دارند، و ۳۱٪ آنان بدون قرارداد، حمایت های اجتماعی یا مراقبت های بهداشتی کار می کنند، آن هم بدون امکان پیوستن به یک اتحادیه<sup>(۵)</sup>. البته رئیس جمهور خواست تعهد به «حقوق زنان» را تکرار کرده و ادعای اساسی دانستن حقوق زنان را دارد، اما کسی فریب او را نمی خورد: مستاجر فعلی لاموندا، به خاطر گستاخی های زن ستیزش در مطبوعات شناخته شده است و اکنون نیز تحت فشاراتلاف (در حال حاضر در اقلیت) با اپوس دی، همان مبارزان ضد سقط جنین و حامیان سابق ژنرال پینوشه، عمل می کند.

## حق اعتصاب همچون ابزاری برای حل مشکلات سیاسی

طی این دوره، نمایندگان دست راستی کمیسیون های حقوق موفق به مشروع ساختن مفهوم «مخالفت وجدانی» با سقط جنین برای نهاد ها (و نه به تنهایی برای افراد) شدند، آن هم در کشوری که نهاد های بهداشتی اکثراً خصوصی شده و تحت تسلط گروه های مذهبی است؛ بنابراین، کلینیک ها به راحتی و خودسرانه می توانند در محدوده چهار دیواری خود، از سقط جنین خودداری کرده و در عین حال به بهانه مشروعیت بین المللی این قانون، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند.

اما موج فمینیسم شیلی فقط از زمینه ملی تغذیه نمی کند. با تکیه به بسیج خیابانی و «اقتشارپایین»، خود را در آینه اعتصاب زنان در لهستان در اکتبر ۲۰۱۶، در تصاویری که در تظاهرات توده ای مادرید پس از آزادی عاملان تجاوز در بهار ۲۰۱۸ حمل می شد، و یا در متون نویسندگانی مانند

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

سیلویا فدریچی، سینیاز آروزا، نانسی فریزر و تیتی باتاچاریا (۱) باز می شناسد. زمینه اصلی پرورش آن همچنان امریکا لاتین است: از ورای کوه های آند، شال سبز، که نمادی از مبارزه برای حق سقط جنین در آرژانتین است، همانند فریاد « دیگر هیچ زنی!» برای محکوم کردن زن کشی، به کشورهای دیگر می رسد. به علاوه، این فمینیسم جنوبی، در آتش تجربه های طولانی جلساتی که در سراسر قاره از دهه ۱۹۸۰ (علیرغم اختلافات درونی روز افزون) سازماندهی می شد، گذاشته شده است. این جنبش، مقاومتی است در مقابل قتل زنان و دختران در Juarez Ciudad (مکزیک)، السالوادور، گواتمالا، و نیز در اذهان.

در اوایل سال ۲۰۱۸، هماهنگی های راه پیمایی ۸ مارس، ابتدا در سانتیاگو، سپس در ارتباط با دیگر سازمان های منطقه آغاز شد. مجمع محلی زنان برنامه های بسیج را مشخص کرد. اما یک سال بعد، با آن که هنوز هیچ مکانی نیافته بودند، هر روز با اتکا به منابع مالی خود پیش می رفتند... اما هنوز فقط شصت سازمان به آن ها پیوسته بودند. طی زمان، کمیسیون های کاری (همکاری های اجتماعی، ارتباطات، تدارکات و غیره) سازماندهی شدند. به هدف ارائه دید های متنوع از نسل ها، گرایش های جنسی، منشأ ها و دیدگاه های متفاوت، انتخاب سنخگویان نوبتی و چرخشی شد. یک فعال جوان می گوید: « می خواستیم ساختار پدرسالارانه و مردانه ی مسلط بر سازمان ها در عرصه سیاست، از جمله چپ، شکسته شود» به یمن فعالیت کمیته های اعتصاب محله، مداخلات در شبکه های اجتماعی و اقدامات خیابانی « بریگاد های فمینیستی"، موفقیت ۸ مارس به تدریج به واقعیت پیوست. خانم آلدرا کاریلون، نقطه اتکاء ( ستون کارگری) سازمان ابراز می کند: ایده اعتصاب فمینیستی، « دقیقا به این دلیل زاده شد که حق اعتصاب برای هیچ کس تضمین شده نیست ... بنابراین، پروژه ما با هدف ابرساختن مشکلات سیاسی آغاز شد». با قانون کار جدید که در سال ۱۹۷۹ توسط دیکتاتوری اعلام شد، احتمال قطع کاربرای کارگران و نیز آزادی های اتحادیه های کارگری به حداقل رسید. در نتیجه چنین قانون محدود کننده بسیار کهنه ای، اعتصاب های اکثریت قریب به اتفاق حقوق گیران که هنوز جرات بسیج شدن را دارند، غیرقانونی شده و بخش عظیم کارکنان بخش دولتی نیز هنوز از این حق اساسی مطلع نیستند. سخنگو افزود: « اما ایده اعتصاب، همچنین به این معنا بود که می خواستیم هم از زنان وهم از مردان دعوت به همکاری کنیم؛ با

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

حمایت مردان در نگهداری از کودکان و تهیه خوراک، زنان توانستند نقش اصلی را بر عهده بگیرند.

«

طی هفته‌ها، ده‌ها، سپس صدها نفر از زنان، با جسم و روح خود و علیرغم تفاوت‌های عقیدتی در این اعتصاب شرکت کردند. برای مثال، برخی تمایل به مبارزه منحصر در فضاهای تک‌جنسیتی (یعنی بدون مردان) بودند، در حالی که دیگران با آن مخالف بودند. برخی از آنها موافق برقراری ارتباط با احزاب سیاسی، دولت یا رسانه‌ها بودند و دیگران این رویکرد را خیلی خطرناک می‌شمردند

...

نشست چند ملیتی زنان در مبارزات دسامبر ۲۰۱۸ نمونه برجسته کاری پر حوصله و مورچه‌وار است. ۱۲۰۰ زن از همه مناطق، با برنامه‌ای ۱۰ نکته‌ای گرد هم آمدند و خواستار اعتصاب عمومی ۸ مارس شدند (۶). طبق نظر خانم کارریو، هدف، حصول اطمینان از آشکار بودن رد پای خواست‌های فمینیستی بر تمام جنبش اجتماعی و تمام معضلات بر انگیزاننده آن است. در واقع خواست مهاجران برای بر خورداری از «آموزشی بری از تبعیضات جنسیتی، غیر استعماری و غیر مذهبی، و غیر کالایی، با خواست خودمختاری ملیت‌ها، خواست سقط جنین "آزاد، قانونی، امن و رایگان"، و خواست توقف خشونت‌های سیاسی، جنسی و اقتصادی علیه زنان موازی هستند.»

## یک راه حل واقعی بر علیه راست افراطی

طبق آمار رسمی، تقریباً یک سوم زنان شیلی، حداقل یکبار در طول زندگی خود، مورد خشونت جنسی واقع می‌شوند. شبکه شیلیایی علیه خشونت بر زنان اعلام کرده است علیرغم آن که به طور متوسط، هفته‌ای یک زن زیر ضربات مردی، جان خود را از دست می‌دهد، قانون این قتل‌ها را زن‌کشی نمی‌داند (۷). برای فعالان، ماهیت خشونت علیه زنان، با خشونت سرمایه‌داری نئولیبرال یکی است. خانم کاریلو و دوستان وی با رد فمینیسم نخبه‌گرا و لیبرال، همواره تقاطع بین سلطه جنسیتی، نژادی و طبقاتی را یادآوری می‌کنند. زنان در واقع یکی از اولین بازنده‌های اولترا سرمایه‌داری



ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

هستند. در این کشور که هفته کاری قانونی چهل و پنج ساعت است و درآمد ماهیانه ۷۰ درصد کارکنان کمتر از ۷۳۰ یوروست، حقوق زنان ۳۰٪ از حقوق مردان کمتر است. به علاوه، دسترسی به بهداشت، همواره با تبعیض های بیمه خصوصی همراه است که حاملگی را بالقوه «خطر» ارزیابی می کند(۸). در مورد حقوق بازنشستگی نیز اوضاع بهتر نیست، چرا که کاملاً تحت کنترل صندوق بازنشستگی است و آن هم از سال ۱۹۸۰ تحت رهبری خوزه پینرا، برادر رئیس جمهور فعلی، وزیر کار دیکتاتوری است.

اما روند هماهنگی نیروها بدون رویارویی با بسیاری از منتقدان داخلی و خارجی نبوده است، و این خود تهدیدی است بر امر وحدت. به گفته دانیلا کتریلئو، شاعر جوان مپوچه، و عضو اشتراکی ضد استعمار *ütulewñRangi*، «جنبش فمینیستی کنونی ملهم از جنبش دانشجویی و خواست مبارزه علیه آزار و اذیت جنسی در دانشگاه هاست». بدون نشانی از سازش، وی اضافه می کند: «برخورد به زنان "نژادی" شده است، خواسته های مردم مپوچه، و استعمار داخلی به اندازه کافی در نظر گرفته نشده اند. تماس با "اعتصاب" فمینیست نیز مورد انتقاد بود زیرا که «ین شعارها را عمدتاً شمالی و اروپایی و بدون ارتباط با شرایط مخاطره آمیز زنان و یا مهاجران دانسته که نتیجه انزوای این گروه ها ست.»

در پاسخ به این اعتراضات، خانم کاریلو ابراز می کند: «ما چهار عرصه برای اعتصاب در نظر گرفته ایم:

(۱) محل کار: اگر وضعیت کارکنان اجازه بدهد؛

(۲) در خانه: اعتصاب علیه کار بدون حقوق؛

(۳) توقف مصرف و خرید؛

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

وسرانجام (۴) تظاهرات در فضای عمومی.»

موعد این تظاهرات ۸ مارس بود. اما به علت عدم پشتیبانی از اعتصاب ما، آن هم توسط اصلی ترین سازمان ملی، یعنی کنفدراسیون وحدت کارگران (CUT) که تحت ریاست یک رهبر کمونیست زن، باربارا فیگوئراس، نایل به گسترش جنبش نشدیم. اما مدیریت این نهاد همواره در پی رهبری عرصه هایی است که از کنترل باربارا خارج است. با وجود این، در بعضی از شهرها مانند بندر وال پارسو، اتحادیه های کارگری، با سرکوب قوی پلیس روبرو شده اند. سایر سازمان های کارکنان عمومی مانند دانشکده های معلمان و کنفدراسیون ملی بهداشت شهری نیز بسیار درگیر مبارزه بوده اند.

خانم کارینا نولز، کارشناس حقوق کارگری و فعال جنبش زنان، از موفقیت ۸ مارس، که مدیون هماهنگی های چند ماهه بود، بسیار اظهار خوشحالی می کند و در عین حال از مشکلات تماس با ساکنان محله های محروم سانتیاگو (poblaciones)، مهاجران و یا کارگران اقشار پائین نیز سخن می گوید. به نظر وی تصویر فمینیست ها که سفید پوستان و طبقه متوسط را تداعی می کند، باعث دوری و بی میلی برخی زنان شده است. او می گوید: «با این حال، پیشرفت زیادی در جهت یکپارچه سازی مبارزه فمینیستی در اجتماعات و برخی اتحادیه ها، به خصوص در بخش های آموزش، بهداشت و مدیریت داشته ایم، و حضور زنان در این میداين مبارزه بسیار محسوس شده است. هدف هماهنگی و دقیقاً دستیابی به رویکردی است که به همه زنان توجه دارد، حال چه به بخش های مردمی، چه به زنان مهاجر و چه به کسانی که "طبقه های متوسط" نامیده می شوند؛ به عنوان مثال، در شیلی نولیبرال، قطعاً جوانان فارغ التحصیل بسیار داریم، اما همه، تا خرخره در وام های انشجویی فرو رفته اند.»

با وجود برخی اشکالات، این اولین اعتصاب سراسری زنان گامی بزرگ به پیش بود و به همان شیوه نیز به حرکت خود ادامه خواهد داد: با تکمیل برنامه پایه ای، با به راه انداختن دوباره مباحثات، با تقویت امر وحدت، نه تنها از شمال تا پاتاگونیا، بلکه نیز در سطح بین المللی. هدف اعلام شده عبارت است از تقویت رابطه با زنان مهاجر، زنان کهنسال و افراد زیر سن قانونی، و نیز ایجاد رابطه با

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

زندانیان. به گفته خانم کاریلو، «مهم نشان دادن آن است که در دوره افزایش قدرت راست افراطی و جریان های ارتجاعی در سراسر منطقه، فمینیسم یک راه حل واقعی است».

در شیلی، بر اساس نظر سنجی ها، نفوذ کلیسای کاتولیک روز به روز کمتر، و رسوایی آزار های جنسی کودکان ( با چشم پوشی سلسله مراتب کلیسا و به یمن قدرت آن )، افزایش دارد. اما فرقه بشارتی ها ( اوانزلیک ها )، که همه نیزبنیادگرا نیستند، در محله ها رشد می کنند و حتی دو کشیش در جلسات فمینیستی شرکت کردند. برخی گروهک های فاشیستی به طور منظم و با خشونت به فمینیست ها، زنان هم جنس گرا و تراجنسی ها حمله می کنند. در عین حال، صف بندی های جدید گروه های سیاسی، پشتیبان ظهور چهره های راست افراطی در رسانه ها و نیز کارزار های انتخاباتی اند، به عنوان مثال می توان از خوزه آنتونیو کاست نماینده (اکثریت جمهوری خواهان) نام برد که آشکارا «ایدئولوژی جنسیت» را محکوم می کند. او که شدیداً مخالف سقط جنین است، معتقدان به حقوق زنان را «فمینیستهای قالبی» می نامد، و به «ستایش» زن واقعی شیلیایی، که لزوماً کاتولیک، ملی گرا و ... خانه نشین است، می پردازد.

(\*)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87\\_%D9%81%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%86%D8%AC%D8%A7%D8%B1](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87_%D9%81%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%86%D8%AC%D8%A7%D8%B1)

\*\* وفاق، نام نوعی سازش است که در توافق صد درصد حاصل شود و با توافق متفاوت است.

۱- سقط جنین فقط در مورد زنی مورد تجاوز قرار گرفته و یا در شرایط خطر برای مادر، قانونی است.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: مه ۲۰۱۹

Lire « [Un entrepreneur multimillionnaire à la tête du Chili](#) », La valise diplomatique, 19 janvier 2010.

– ۳

Lire Hervé Kempf, « [Au Chili, le printemps des étudiants](#) », *Le Monde diplomatique*, octobre 2011.

– ۴

Nicole Forstenzer, *Politiques de genre et féminisme dans le Chili de la postdictature, 1990-2010*, L'Harmattan, coll. « Anthropologie critique », Paris, 2012.

– ۵

[Institut national de statistiques](#), Santiago, octobre-décembre 2017.

– ۶

« [Programa, carácter y objetivos de la huelga general feminista 8 de marzo de 2019](#) » (PDF).

– ۷

[Site de La Red Chilena contra la Violencia hacia las Mujeres.](#)

– ۸

« [Los verdaderos sueldos de Chile](#) » (PDF), Fundación SOL, Santiago, 2018.